

## فرش ترکمن

مطالعه موردى قاچقە ترکمن موجود در مخزن کاخ موزه سبز

نوشین تدین طهماسبی کارشناس ارشد کاخ موزه سبز

عکس: لیلی رئوف (آرشیو کاخ سبز)

## پیشگفتار:

فرش در فرهنگ ترکمن ریشه در تاروپود هستی و زندگی ترکمن دارد. فرش ترکمن، زاده‌ی ذهن خلاق و اندیشه‌ی جستجوگر و دستهای آفریننده‌ی مادر است. مادر، با زبان دل و با دستهای هنرمندش، فرش را زمینه و جلوه‌گر اندیشه‌اش کرد و با هر گره تمامی احساس و عاطفه و عشق مادرانه‌اش را به دخترش و به مردم ترکمن هدیه کرد. و در پایان برای زینت بخشیدن به قالی و اثبات حضور همیشگی خود در میان جلوه‌های گوناگون بافته‌اش، اثری از انگشتان خسته و خونبارش را بعنوان نمادی بنام گلین بارقاق به یادگار گذاشت. مادر، زندگی‌اش را به قالی بخشید و ذره‌ذره‌ی جسم و روحش را بر تاروپود قالی گره می‌زد. او، در تلاطم همیشگی زندگی‌اش، برای زینت‌بخشیدن به آلاچیق، نواری بافت اما چه نقشی را می‌بایست به آن می‌نهاد و چگونه می‌توانست آنرا بیاراید؟

هنگامی که فرشهای آسیای مرکزی، در میان مردم شهرهای وین، برلن، پاریس، یا لندن - که در تجمل غوطه‌ورند رواج یافت و مدلش هجوم خریداران اروپایی به دورترین بازارها و روستاهای دست‌نخورده و حتی اردوگاه‌های چادرنشینان آغاز شد. در نتیجه. بومیان این مناطق که فریفته‌ی پول خریداران شده‌بودند، فرشهایی را که از قیمت واقعی آنها اطلاع نداشتند، به فروش رسانندند و بدین نحو مناطق زندگی آنان، گزیده‌ترین، گرانبهاترین، و پرمایه‌ترین فرآورده‌های خود را از دست داده و به دنبال خارج شدن این آثار، امکان بافت و تهیه‌ی نمونه‌های مشابه آنها از بین رفت. هم‌اکنون بافندگان اینگونه فرشها، برای اغواتی سود بیشتر و آنی‌تر توجه به این وظیفه و حرفة‌ی خانوادگی را از دست داده‌اند و فرشهایی ارائه می‌کنند که با کار کم ظاهری چشم گیرد و دلپذیر دارد. امروز ایران، قفقاز و ترکستان شاهد فرشهایی هستیم که قادر کیفیت هنری هستند.

## مقدمه :

خیلی پیشترها یعنی در حدود سال ۵۸۰ هجری شمسی مارکوپولو، جهانگرد معروف ایتالیایی، قالی ترکمن را تحسین کرده بود. فرش ترکمن در همان سالها و پس از آن، بهترین فرش آسیای مرکزی بوده است.

تمام فرشهای ترکمن از زیبایی و تنوع رنگ برخوردار می باشند. رنگ سرخ و سرخ تیره، سبز غلیظ و سنگین، زرد سنگین، رنگ نارنجی، رنگ سفید و رنگهای سورمه ای بیشتر از رنگهای دیگر در آنها به کار می رود.

معمولًاً زمینه قالی و قالیچه به رنگ قرمز است که روشنایی آن حالت زنده تر و برجسته تری به نقشها می دهد.

قالیچه و قالیهای ترکمنی یا ترکیبی است از نخ و پشم که تار آن از نخ و پود آن از پشم است و یا پشم اندر پشم که تار و پود آن هر دو از پشم است و یا ابریشم و پشم که تار آن از ابریشم است و پود آن از پشم و یا ابریشم خالص که تار و پود آن هر دو از ابریشم است.

هنر قالی بافی در ترکمن صحرا تنها به دست زنان انجام می شود. این هنر از مادر به دختر منتقل می شود و به مثابه ثروتی در دست زنان و دختران است. البته هنر زن ترکمن تنها قالی بافی نیست بلکه نمدمالی، سوزن دوزی، خورجین و گلیم بافی، از جمله هنرهای زن ترکمن است.

از میان این هنرهای قالی بافی در اقتصاد خانواده نقش مهمتری دارد. به همین دلیل در بیشتر خانه ها یا آلاچیق ترکمنها یک دستگاه قالی بافی دیده می شود که زنان یا دختران خانواده بر روی آن به قالی بافی مشغولند. به این ترتیب زنان هنرمند ترکمنی در نتیجه مساعی و مهارت و استعداد هنری شان نقش بسیار باز و گسترده ای در اقتصاد خانواده خود دارند و در حقیقت به طور گسترده و فراینده ای به درآمد خانوار خود می افزایند.

نخی که برای تار قالی مصرف می شود از شهر خریداری می شود اما پشم قالی را که گره های قالی را با آن می بافند، خود از پشم گوسفند می چینند.

آنان پشم را در ابتدا شسته و بعد از خشک کردن با شانه پایه دار شانه می کنند. پشم شانه شده را با دوک ساده ای می ریسند.

معمولًاً زنان مسن به ریسیدن و تابیدن و گاهی رنگ آمیزی پشم می پردازند و دختران کوچک و دختران و زنان جوان که چشمانی حساس و انگشتانی ظریف و باریک دارند به بافتن قالی مشغول می شوند.

آنها فرش و نقشه های قالی و قالیچه هایشان را پیش از بافتن بر روی کاغذ ترسیم می نمایند اما در ضمن بافندگی محل شروع و انجام هر نقشی را در زمینه قالیچه می دانند و با مهارت بکار می بندند.

این بافندگان، فرشهای خود را بر مبنای سنتهای فامیلی شان، بر مبنای تصورات ذهنیشان و بر مبنای نقش و نگارهای مشخصه قبیله شان می بافند و این خلاقيتها با ارتباط مستقیمي که با تاريخ ايلى دارد يكى از ويژگيهای قاليهای ايلى و بخصوص قاليهای تركمنی است که به آن حالت و زيبايت و جلوه خاصی بخشیده است.

**كلمات کليدي: فرش تركمن - تركمن - كاخ سبز - قاليچه**

## تاریخ ترکمن :

تاریخ ترکمن ها صرف نظر از تاریخ افسانه ای و سرزمین اجدادی آن ها به سه دوره تقسیم می شود:

۱- دوره بیابان گردی که از آغاز مهاجرت ترکمن ها شروع شده

۲- دوره مهاجرت به ترکمنستان و ترکمن صحرا

۳- دوره بعد از مرزبندی رسمی بین کشورهای روسیه و ایران

بر این اساس قوم ترکمن یکی از اقوام مهاجر به فلات و سرزمین کنونی ایران محسوب می شود. دشت ها و

استپ های منچوری و مغولستان در شمال آسیا، مکان اولیه ترکمن ها به شمار می رود. لذا آن ها که در

منطقه ساحلی شمال دریاچه « ایشیق گل » در مغولستان زندگی می کردند، به دلایل مختلف طبیعی و

اجتماعی و به تدریج به طرف جنوب مهاجرت کرده و در قرن ششم میلادی در نزدیکی رودخانه « سیر دریا

« ( سیحون ) ساکن شدند و سپس در قرن دهم میلادی به نزدیکی « آمو دریا » ( جیحون ) و منطقه مرو

آمدند. ترکمن ها در قرن یازدهم میلادی در مرو ساکن شدند. ترکمن ها در مهاجرت خود از حاشیه

شهرهای بزرگ و آبادی چون سمرقند و بخارا نیز گذشتند؛ گروهی عازم نواحی دریاچه آرال شدند و نهایتاً به

اور گنج و از آنجا به سواحل شرقی دریای خزر مهاجرت کردند و در شهرهای آبادی چون دهستان و سکنا

گزیدند..

طوابیف ترکمن گوگلان، یمراهی و آل علی در جلگه های کوپت داغ و بعداً ساریق ها، ارساری ها و سالرها در

اطراف قوچان و بجنورد از شهرهای خراسان ساکن شدند و یموت ها به سمت شمال خراسان و رود اترک

روی آوردن و در قرن شانزدهم میلادی طوابیف ترکمن در تمام ساحل شرقی خزر تا گرگان زندگی

می کردند. پیش از آنکه قرن نوزدهم پایان یابد تزارهای روس با فتح تاشکند، بخارا، خان نشین خیوه و

فرغانه و خان نشین های آسیای میانه، ترکمن ها به جز ترکمن های داخل مرزهای ایران را خراج گزار

روسیه کردند و پس از جنگ ها و توسعه طلبی های امپراتوری روسیه تزاری، قرارداد تحدید مرزی آخال ( ۱۸۸۱ م).

بین دو دولت ایران و روس، مرز میان دو کشور را از روی نشانه های جغرافیایی تعیین کرد و براساس آن،

ترکمن های اترک و گرگان رسماً ایرانی محسوب شدند در عین حال بعد از قرار داد آخال بر اثر فشار

خوانین خیوه و روس ها سیل مهاجرت به نواحی رود اترک و گرگان افزایش یافت.

علی رغم خاستگاه تاریخی فوق، درباره اطلاق واژه ترکمن براین قوم، برداشت ها و بررسی های مختلفی شده

است. قدیمی ترین بررسی به محمود کاشغی تعلق دارد. وی افسانه ای نقل می کند که مثل اغلب افسانه

های آسیای مرکزی به اسکندر مقدونی مربوط می شود. اسکندر پس از فتح سمرقند برای سرکوبی امیر

ترکان ناحیه بالاساغون حرکت می کند. امیر ترکان که از قصد اسکندر آگاه می شود با قشون خود به طرف

شرق فرار می کند. دراین بین بیست و دو تن با خانواده های خود از قشون باز می مانند. اسکندر به هنگام

بازگشت به این افراد برمی خورد و با دیدن آثار و نشانه های ترک بودن در آن ها اظهار می کند که آن ها «

ترک مانند » یعنی به ترک ها شبیه هستند. کاشغی معتقد است که بعدها کثرت استعمال ( و احتمالاً

تجزیه غلط ) موجب تسمیه « ترکمن » به این افراد شده است.

روایت دوم به زمانی برمی گردد که ترک های ناحیه آمو دریا به دین مبین اسلام گرویدند. ترک های این

ناحیه به هر دلیلی که باشد، از جنگ و خونریزی اجتناب کردند و بنا به میل و درخواست خود مسلمان

شدند. اعراب از این رفتار ترک ها استقبال کرده و به آن ها لقب « ترک ایمان » دادند. برخی هم معتقدند

که ترکمن عنوانی بود که آغوزهای غیرمسلمان، به آغوزهای مسلمان دادند.

روایت سوم به این باور اشاره دارد که واژه ترکمن از واژه « ترک مین » است یعنی من « ترک هستم » بسیاری نیز مانند وامبری لیگتی و قفس اوغلو تلاش کرده اند با ارائه مثال های فراوان ثابت کنند که عنصر « من » در واژه ترکمن ماهیت پسوندی دارد و به زعم آن ها بر مفاهیمی چون « شکوه و عظمت » یا « اسم جمع » دلالت دارد. تمامی روایات مذبور جملگی یک هدف را دنبال می کنند و آن اثبات « ترک » بودن ترکمن هاست، اما یکی از شرق شناسان مشهور به نام « هیرث » با استفاده از متون تاریخی چینی و با استناد به دایرة المعارف چینی « تونگ-تین » تلاش کرد تا تسمیه ترکمن را با واژه « توکو-مونگ » چینی ارتباط دهد و با توصل به ادله جغرافیایی و تاریخی ثابت کند که ترکمن ها از نسل اقوام ایرانی « آلان » ها هستند.



## پراکندگی جمعیت:

منطقه زیستی ترکمن ها غیر از ایران، کشورهای ترکمنستان، افغانستان، عراق، ترکیه، ازبکستان، قزاقستان، چین و سوریه است. در ترکمنستان حدود ۵۷۰۰۰۰ نفر و در افغانستان حدود ۱۰۰۰۰۰ ترکمن زندگی می کنند. ترکمن های عراق که در شمال این کشور زندگی می کنند حدود ۲۰۰۰۰۰ نفرند که از بازماندگان ترکمن های قدیم هستند و به علت دور افتادن از سرزمین های اصلی، گویش آن ها تفاوت هایی با ترکمن های شرق خزر دارد و بیشتر به ترکی ترکیه و ترکی آذربایجان نزدیک است. گروهی از ترکمن ها دریای خزر را دور زده و هم اکنون در آذربایجان و ترکیه به سر می برند. ترکمن های ایران بیشتر در جنوب شرقی دریای خزر و در ترکمن صحرا سکونت دارند و در استان های گلستان، خراسان رضوی (تر بت جام) و خراسان شمالی پراکنده اند. جمعیت ترکمن های ایران به ۲۰۰۰۰۰ نفر می رسد.

براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۱، در استان گلستان بالغ بر ۱۵۳۱۹۱۰ نفر زندگی می کنند که شامل ۳۰۵۰۸۸ خانوار می باشد. از این تعداد ۵۰۴۳۸۱ نفر شامل ۸۵۷۷۸ خانوار، به قوم ترکمن اختصاص دارد. یعنی جمعیت ترکمن بیش از ۳۳ درصد کل جمعیت استان است که در کنار سایر اقوام در این منطقه مانند سیستانی ها ۴/۱۵ درصد، بلوج ها ۳/۴ درصد، کردها ۵ درصد، قزاق ها ۲ درصد و جمعیت قوم فارس زندگی می کنند. تراکم جمعیتی ترکمن ها عمدتاً در شهرهای نزدیک مرز می باشد و به ترتیب در گمیشان ۱۰۰ درصد، آق قلا ۹۸ درصد، بندر ترکمن ۸۵ درصد، گنبد ۷۷ درصد، کلاله ۵۵ درصد و مینودشت ۴۰ درصد از جمعیت این شهرها را ترکمن ها تشکیل می دهند و درصد کمی نیز در شهرهای دیگر استان از جمله مرکز استان ( گرگان ) ساکنند براساس سرشماری سال ۸۵، جمعیت استان به حدود ۰،۸۷، ۶۱۷، ۱ نفر رسید که در این میان، جمعیت ترکمن ها نیز افزایش داشته و برای نمونه، جمعیت بخش مرکزی شهرستان ترکمن در سال ۱۳۸۵ برابر با ۶۳۷۷۱ نفر بوده است براساس توصیف وضعیت سرزمینی، ۶/۳۷ درصد مساحت استان گلستان با تراکم نسبی ۴۷ نفر در هر کیلومتر مربع در اختیار مردم ترکمن است.

ترکمن های ساکن در استان خراسان شمالی تقریباً ۱۰ درصد جمعیت ۸۱۱۰۰۰ نفری این استان را براساس آمار سال ۱۳۸۵ تشکیل می دهند که در دو شهرستان « بجنورد » و « مانه و سملقان » زندگی می کنند.



## طوابیف و تیره ها:

ترکمن ها به قبایل و تیره های متعددی تقسیم می شوند که برخی از آن ها عبارتند از: عالی ایلی، چاودار، یمرلی، ارساری، سالور، ساریق، تکه، یموت و گوگلان. به طور کلی، از نظر ساخت اجتماعی سنتی ترکمن ها، هر ایل به چند طایفه و هر طایفه به چند تیره یا اونلیق و هر تیره به چند ابه تقسیم شده اند. ابه کوچک ترین واحد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ترکمن است که بر حسب خویشاوندی خونی در خط ذکور از چند اُی «oy » هم تبار تشکیل یافته اما طوابیف و تیره های ترکمن ها در ایران عبارتند از:

### ۱- طایفه یموت:

نام ایل یموت مأخوذه از اسم یموت پسر آغور جک است. یموت صاحب دو پسر به نام های اوتلی تمور و قوتلی تمور بوده است. اوتلی تمور جد عشایر یموت، خیوه و قوتلی تمور جد مردم ساکن ایرانند. خیل یموت مرکب از دوازده طایفه است و هر طایفه مرکب از چندین تیره و طایفه و ابه هستند که عبارتند از جعفریایی، آتابایی، یلقی، داز، دوه جی، بدرا، سلاخ، ایکدر، قوجق، قان یخمز، یموت های گرگان در نزدیکی دریای خزر، بندر ترکمن، گومیشان، داشلی برون و آق قلعه زندگی می کنند.

یموت ها عمدتاً زراعت پیشه اند و به شجره نسب اهمیت زیادی می دهند. ویلیام آیرونز در این باره می نویسد که یموت ها بخش اعظم زندگی اجتماعی خود را بر مبنای شجره نسب در خط ذکور تنظیم می کنند.

### ۲- طایفه گوگلان:

دومین طایفه بزرگ در ایران است. طایفه گوگلان ها در ناحیه گوگلان و کلاله در نزدیکی شهر گنبد قابوس و نیز در جرگلان در شمال شرقی ترکمن صحرا به سر می برند. گوگلان ها به هشت طایفه تقسیم می شدند: یانقال، چاکر بیگدری، کریک (قریق)، کایی (قایی)، آی درویش، بایندر، ارکک لی، قریب علی خان. البته تمام قبایل ترکمن به جز گوگلان به نام جد مشترکشان شناخته می شوند «وامبری» سیاح مجاری، این طایفه را صلح جوتروین و متمدن ترین ترکمن ها می داند و بر این باور است که آن ها از روی میل به امر زراعت مشغول شدند و خود را تابع دولت ایران می دانند مختومقلی فراغی شاعر شهر ترکمن، گوگلان و از تیره گرکر (گز قر) است.

### ۳- قبیله سالور:

یکی از قدیمی ترین قبایل ترکمن بود. احتمالاً تعداد آن ها قبل از جنگ ها و تهاجماتی که موقع انتقال قسمت عمده ترکمن ها توسط سلجوق ها از آسیای مرکزی به غرب روی داد، بیشتر بود. سالورها در شرق سرزمین تکه، بین سرخس و رود مرغاب می زیستند و به سه تیره تقسیم می شدند: یالواچ، کارامان، آنابوله گی .

## ۴- ترکمن های ساریق:

یک قبیله قدیمی، دیگر، در ناحیه پنجده، کنار رود مرغاب، شرق سالورا ساکن بودند. تعداد آن ها هم به علت مذکور، تقلیل یافته بود. به گفته گالکین، ساریق ها به تیره های زیر تقسیم می شدند: بیراش، بادان، آلاچا، بارزاکی، قزل مراد، دویاچی، کاچاعالی، ساختی، قانای باش قبایل سالور و ساریق در شمال شرقی خراسان زندگی می کنند.

## ۵- ترکمن های تکه:

تکه ها بزرگ ترین و نیرومندترین قبیله ترکمن ها هستند که نفوذ آن ها نه تنها در کشورهای مجاور بلکه در میان کل مردم ترکمن محسوس بود. قدرت فزاینده تکه، رهبریت ترکمن ها را به آن ها داد آن ها در آخال و واحه های مرو، و در سرتا سر کویر واوزبوبی، از نزدیک چاه های ایگدی گرفته تا مرزهای واحه خیوه می زیستند. زمانی اکثریت جمعیت « تکه » در سرزمین آخال ساکن شده بودند، اما بعد از اینکه سدی روی مرغاب ساخته شد، عده ای به واحه مرو انتقال یافتند در حال حاضر بخشی از تکه ها در منطقه حصارچه جرگلان زندگی می کنند و بیشتر آن ها در استان خراسان شمالی و گروه کوچکی از آن ها در استان گلستان در شهر گنبد کاووس و برخی روستاهای اطراف آن ساکنند.

## ۶- طوایف مقدس:

طوایف « آتا » و « خوجه » و « مختوم » خود را از شجره خلفای راشدین می دانند. این طوایف که در میان ترکمن ها از احترام و عزت نسبتاً زیادی برخوردار هستند، « اولاد » نامیده می شوند و به عنوان طوایف مقدس از آن ها یاد می کنند. این طایفه نقش مهمی در رفع مخاصمات دارند. ترکمن ها بر این باورند که هر کس به این طوایف مقدس آسیب برساند مورد عقوبت الهی قرار می گیرد به طوری که در میان ترکمن ها ضرب المثلی است که می گویند « اولادینگ ایتینی کشکی گورمه »، یعنی حتی سگ سید را کشکی نبین و این ضرب المثل به خاطر ترس آن ها از لعن و نفرین سیدها می باشد

## تاریخچه فرش:

سابقه فرش را در جهان می‌توان به آغاز تمدن در جوامع بشری مربوط دانست از آن زمان که انسان دانست روی زمین سرد و پراز خاک و حشره نمی‌تواند زندگی کند و شروع به استفاده از پوست و سپس پشمehای درهمشده جانوران اطراف محیط‌زیست خود کرد، انواع اولیه فرش بی‌تردید کیفیتی شبیه به نمد و یا تولیدات ابتدایی نساجی داشته‌است ولی بهر حال از آنجاکه از بافت‌های اولیه فرش به دلیل کیفیت غیرقابل دوام آن نمونه‌هایی دردست نیست هیچیک از حدسیات و تئوریها و استدلالات مورخان و محققان نتوانسته‌است زمانی دقیق برای تهیه اولین نوع از این پدیده زیبای انسانی را تعیین نماید.

بی‌شک ایرانیان نیز نمی‌توانند ادعای تولید اولین فرشهای دستباف را داشته باشند ولی شواهد و مدرک تاریخی و بخصوص کشف قالی پازیریک سهم اعظم در خلق و تولید این هنر گرانبهای را از آن ایرانیان می‌سازد.

در اشعار همراز « ارابه‌های ایرانی که با فرشهای ارغوانی پوشیده شده » یاد می‌شود. گرنفون به هنگام ثبت جنگهای ایران اشاراتی دارد دال براینکه « ایرانیان زیر بسترها خود از فرشهای نرمی استفاده می‌کردند » در کتاب آنابالسیس از فرشی صحبت می‌شود که ارزش آن معادل ۱۰ مینائوس( واحد پول یونان) برابر ۳۸ پوند نقره بوده‌است.

همواره درباره کیفیت واقعی آن اظهارات و اینکه موارد مورد بحث واقعاً فرش بوده و یا انواعی از نمد و یا گلیم منقوش و یا نوعی سوزندوزی و غیره اختلاف‌نظر وجود داشته ولی در این زمان واقعیت‌های تاریخی بیانگر نشانه‌های دیگریست.

در کتابی که در سال ۱۹۵۰ درباره کشیفات پروفسور رودنکو باستانشناس روس در شوروی منتشر یافت، صحبت از کشف فرشی است که از گور یخزده یکی از شاهان سکائی در آلتائی مغولستان خارجی نزدیک به نواحی جنوبی سیبری بدست آمده این فرش که بنام محل کشف آن پازیریک نامیده می‌شود و بمود یخهای جاودانی سیبری بنحو شگفت‌انگیزی تقریباً سالم مانده است. امروزه در موزه «ارمیتاژ لنینگراد» نگهداری می‌شود.

ابعاد این فرش ۶ فوت و ۷ اینچ × ۶ فوت معادل با  $210 \times 190$  سانتی‌متر مربع می‌باشد تعداد گره در سانتی‌متر مربع ۳۶ گره فارسی است رنگ فرش سرخ تیره، قهوه‌ای، نارنجی، و نوعی سبز مایل به آبی است که امروزه به رنگ پازیک معروف است رنگهای مصرفی در فرش از انواع گیاهی یا حیوانی است. قدمت این فرش که از نوع پرزدار و گره‌دار است به ۵ قرن قبل از میلاد می‌رسد و آنچه که از نظر تاریخی ساخت این فرش را به ایرانیان نسبت می‌دهد طرح و نقشه آن است که سواران پارسی با پوشش و سلاحهای دوران پرشکوه امپراتوری ایرانیان «آشکارا نقشهای تخت‌جمشید را به یاد می‌آورند».

این مسئله مسلم است که این فرش در مناطق ایرانی‌نشین احتمالاً (خراسان) و یا حداقل در قلمرو حکومتهای ایرانی مادها و یا پارتها بافته شده و اعم از اینکه ایرانیان سازندگان اولین فرشهای بافته شده در دنیا باشند و یا نباشند می‌توانند ادعا نمایند که در ۲۵۰۰ سال پیش در ایران فرش بافته شده و گره‌دار با نقشهای دقیق فنی تولید می‌شده است.

در فاصله تا قرن شانزدهم میلادی که سال بافت فرش معروف اردبیل می‌باشد نمونه و سندي در دست نیست جزاینکه قبل از کشف فرش پازیریک سابقه فرش‌بافی در ایران به زمان حمله مغولها و یا ترکان

سلجوقی نسبت داده می شد ولی نوشه های مورخان و جغرافی دانه های اسلامی وجود فرش را قبل از این زمانه ای تاریخی در ایران مسلم می سازد.

به حال همانطور که گفته شد ما قصد تکرار مطالب تاریخی را درباره آنچه بر فرش گذشته و بی اعتمایی مغولها، هلاکوئیان و ترکه ای سلجوقی و سایر مهاجرانی که بیشترین نیروی خود را صرف از بین بردن مظاهر فرهنگی و سنتی این سرزمین نمودند و تلخی هائی که بر فرش و بافتندگان آن گذشتند نداریم اما آنچه که در این مرحله قابل ذکر است نفوذ فرهنگ اسلامی بر مسأله فرش بافی ایران است که امیدواریم تصور نشود که این مطلب بر حسب هم‌آهنگی با مسائل روز طرح می شود ولی واقعیت نفوذ و فرهنگ اسلامی بر فرشه ای شرقی بطور اعم و فرشه ای ایران بطور اخص کاملاً محسوس است تا آنجا که ما شاهد تحول بسیاری از طرح های اسطوره ای قدیمی ایرانی که عمدتاً جنبه مذهبی و نیاشی داشته است به سمبله ای اسلامی بوده ایم و بهترین نمونه آن طرح ماهی مشهور به ماهی درهم است و این طرح در واقع شکل تغییر یافته ماهی است که سمببل مهر و میترا از اساطیر ایران قدیم بوده و بعد از اسلام بصورت برگ خمیده ای تغییر شکل داده است.

از طرف دیگر بد لیل حرمت بافت تصاویر و اسماء مقدسین و آیات الهی و قرآنی بر فرشه ای که زیر پا گستردگی هنر فرش بافی شاهده ظهور نوعی جدید از فرش گردید که صورتی ترئینی و پرده ای و قابل احترام بخود گرفت و صدور و حضور اولین فرشه ای ایرانی و کشورهای اسلامی بویژه ترکیه در بازارهای اروپایی نشان دهنده آن است که فرشها دارای طرح هایی با فرم های مذهبی از نوع سجاده ای، جانمایی، محرابی، و نماده ای از مساجد و غیره بوده است.

## تعريف فرش:

فرش واژه‌ای است عربی که در لغت به معنای گستردن و گستردنی است. چنانچه فرش بدون دخالت

ماشین یعنی با دست بافته می‌شود به آن «دستباف» گویند. فرش دستباف از نظر ساختار دوگونه است:

اول، فرش گره‌خورده و پرزدار که علاوه بر تاروپود از خامه و پرز برخوردار است مانند قالی و قالیچه و انواع

آن؛

دوم فرش تخت باف که فقط دارای تاروپود تنیده و درهم است و نوعی بافته پوددار را تشکیل می‌دهد؛ مانند

گلیم، سوماک، ورنی، پلاس، و انواع دیگر آن. آنچه در این کتاب از فرش سخن می‌رود، مقصود گروه اول،

یعنی فرشهای گره‌بافته پرزدار است.

در نوشته‌های بازمانده از زبان پهلوی برای قالی نفیس واژه «بپ» یا «پوپ» و برای فرش (و نمد) واژه (نمت)

و برای فرش، جامه و بستر واژه «ویسترگ» آمده که واژه اخیر نیز از «ویسترتن» به معنی گستردن اخذ

شده‌است. در لغتنامه دهخدا نیز واژه (بوب) به معنای فرش، بساط، خانه و... است که به آن انبوت نیز

می‌گویند.

## بافندگی:

در هیچکدام از صنایع دستی ایران تقسیم کار مثل بافندگی انجام نشده‌است به غیر از کسانی که خدماتی

انجام می‌دهند مانند حلاج، ابریشم‌پیچ، و رسیندگی و رنگرز سه پیشه‌ور مستقل دیگر هم وجود دارد قبل از

اینکه بافنده بتواند ماسوره خود را بکار برد و از نخ پارچه ببافد باید الیاف را به آنها بدهد. اینها عبارتند از

شانه‌ساز، (شانه‌بند) تن‌پیچ، و طراح یا گورت‌چین، این فقط در مورد بافندگان سازمان یافته صدق می‌کند.

خانه‌بافها و چادرنشیانی که قالیبافی می‌کنند به استادی و مهارت خود متکی هستند.

### دستگاه بافندگی:

در ایران دستگاه‌های بافندگی متنوعی به چشم می‌خورد از دستگاه بافندگی افقی و زمینی که در بسیاری از کشورهای خارومیانه تاریخ آن به هزاره سوم پیش از میلاد می‌رسد تا دستگاه‌های مرکب چندورده و بالاخره دستگاه تن‌بافی طراح‌انداز که پیش‌درآمد دستگاه جاکار(jacquard) اروپائیان است در ایران هست.

از لحاظ ساخت، دستگاه‌ها به عمودی و افقی تقسیم می‌شوند. دستگاه بافندگی افقی برای قالی - گلیم و زیلو بکار برده می‌شود. همچنین دستگاه‌های دوتیری و نیز سنگین وجود دارد. بیشتر آنها با ورد است ولی بافندگی به شکل تخت و مسطح هم در میان بعضی از قبایل برای بافتن تنگ اسب و جاجیم متداول است.

### طرح:

در قالی ترکمن، طرح مرکزی و نگاره‌هایی جدا در چهارگوشۀ فرش بطور معمول نقش نمی‌شود. نقش‌ها طرح‌ها شکسته است و متن پوسیده از نگاره‌هایی هندسی است. نگاره‌های اصلی ترکمنی بطور معمول هشت‌ضلعی است که گاه مانند مربع و گاه مانند لوزی می‌نماید که هر یک از آنها، حاشیه‌ای دارند که از لوزیهای کوچک تشکیل می‌شود.

به نظر می‌رسد که برخی از نقش و نگار قالیهای ترکمن یارگار «تمغا» (نشان) و اونقون (توتم)‌هایی باشد که ساده شده‌است.

«رشیدالدین فضل الله وزیر» (۶۴۵-۷۱۸ ه.ق) در کتاب جوامع التواریخ خود از ۲۴ طایفه «اوغوز» (ترکمن) در زمان خود یاد می‌کند که هر طایفه یک «تمغا» ویژه خود داشته‌اند و هر چهار طایفه یک «اونقون» می‌شناختند که آن را محترم می‌دانسته‌اند. «اونقون» براساس نوشته رشیدالدین فضل الله از واژه «انیق» ترکی به معنی «مبارک» می‌آید.

«اونقون»‌های طایفه‌های ترکمن آنگونه که از کتاب «جامع التواریخ» برمی‌آید از جمله، عبارت است از انواع پرندۀ‌های شکاری مانند شاهین و باز. اینک از جمله نگاره‌های معنی‌دار در قالیچه‌های ترکمن عبارت است از: «قچ» (qac) یعنی قوچ «آلچ» (alej) یعنی خط و خالدار و «قوش» (qus) که گونه‌ای باز است. و اسم این نگاره‌ها را بافندگان بطور معمول با پسوند «گل» بکار می‌برند مانند: «آلچ‌گل» برخی از نشانه‌ها را مانند دانه‌های اسفند که نخ شده‌است به شکلی مانند مربع و مثلث جسبیده بهم درمی‌آورند که طلس‌می است برای رفع چشم‌زخم و با تغییراتی نه تنها در قالیچه‌های ترکمن بلکه در قالیچه‌های «کرد» و «بلوج» نیز دیده می‌شود و یا شکل صلیب شکسته مانند، که تنها در آثار سفالین پیش از تاریخ «در سیلک» و «سگزآباد» دیده شده‌است. از جمله طرح‌های رایج در میان بافندگان ترکمن، نقشه‌های غزال گزیمود، چهارفصل و قاشقی است.

قالیچه‌های ترکمن تنها با چند رنگ ساده، رنگ‌آمیزی می‌شود در برخی طرح‌ها دو خط عمود برهم زمینه فرش را به چهار بخش تقسیم می‌کند که رنگ هر بخش با بخش روبرو قرینه و با بخش کناری در تضاد است. رنگ‌های لاکی، سفید، سبز و قرمز روشن از جمله رنگ‌هایی است که در بافت‌های ترکمن بکار برده می‌شود. برای رنگ زمینه از کرم، سفید، و همچنین قرمز روناسی بهره می‌گیرند که رنگ اخیر باعث شهرت

قالیچه‌های سرخرنگ ترکمنی در جهان شده است. معرف قالیچه‌های سرخرنگ، زمانی قالیهای معروف یموت با زمینه ارغوانی سیر و بعد قالی طرح بخارایی با متن قرمز است.

### قالی و قالیچه ترکمن:

ترکمن‌های ایران در حاشیه جنوب‌شرقی دریای خزر پراکنده‌اند.

کار قالیبافی در سه ایل آقابای و جعفربای که از تیره یموت هستند و ایل تکه که پس از انقلاب اکتبر از جمهوری ترکمنستان شوروی به ایران پناهنده شده‌اند رواج دارد.

ترکمنها دیرزمانی نیست که اسکان یافته‌اند. تراکمه در آغاز خانه یا باصطلاح خودشان «اوبه» را با نمد و حصیر که به آن «پاپونچا» می‌گویند مفروش می‌کردند ولی پس از گذشت زمان بتدريج در کنار کشاورزی و دامداری حرفه و هنر فرش‌بافی را نيز فراگرفتند. امروز تراکمه ایران به پرورش اسب و بافتن قالی معروفیت بسزایی دارند.

دقت و ظرافت این دختران و زنان هست که گاه موجب خلق شاهکارهایی بی‌نظیر در عالم قالیبافی می‌گردد. بهترین قالی ترکمن مربوط به ایل «تکه» می‌باشد.

مرکز اصلی این ایل در چهارده فرسنگی شمال‌غربی گنبد کاووس است. بهترین قالیچه‌های ترکمنی مربوط به کارهای همین ایل می‌شود ولی تعداد آنها محدود است و حداقل در سال به ۵۰۰ عدد نمی‌رسد.

ایل آتابای نزدیک گنبد کاووس در محلی بنام «جرگلان» سکونت دارند ظرافت قالیهای این ایل به پای قالیچه‌های ایل «تکه» نمی‌رسد ولی تولید آن از ایل «تکه» بیشتر است. تعداد قالیچه‌های بافت این ایل در سال نزدیک به ۲۰۰۰ تخته است.

افراد ایل جعفریای در شهرها گمیشان و پهلویدز زندگی می‌کنند و تعداد قالیچه‌های این ایل در سال به ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ عدد می‌رسد. قالیچه‌های ساخته شده دست افراد این بخوبی سایر قالیچه‌های ترکمن نیست.

قالیچه‌های ترکمن بطورکلی دارای گره ترکی باف و یک پوده می‌باشد و در روی دستگاه‌های افقی بافته می‌شود و تاروپود هر دو از پشمهاي است که در همان نواحی یافت می‌شود و در دسترنس می‌باشد. در تمام نقاط ترکمن‌نشین شمال از کارگاه‌های قالیبافی بشکلی که در سایر شهرهای ایران رایج است اثری دیده نمی‌شود. قالیبافان ترکمن دار قالی را برروی زمین بصورت افقی نصب می‌کنند. این دستگاهها قابل حمل و نقل می‌باشند.

ابزار قالی‌بافی در بین تراکمه عبارتند از: قیچی، شانه، کسگر، و کارد دار قالی در اصطلاح ترکمنی «قوراما» نامیده می‌شود.

طرح قالیهای ترکمن بیشتر شکسته و هندسی می‌باشد و نزدیک بکارهای بخارا و سمرقند است. طرح‌های معروفی که تراکمه با آن قالی خود را زینت می‌دهند عبارتند از: ماری گل، تکه گل، افغانی که توسط ایل تکه و درناب گل، قفسه گل آقایق که افراد ایل آتابای از آن استفاده می‌کنند و آینه گل که مخصوص این جعفریای می‌باشد.

رنگهای مصرفی این قالیچه‌ها در گذشته قرمزانه و روناس بوده که با دندانه زاج بکار می‌رفت و شفافیت و رنگ مخصوص قرمز آن بهترین معرف کار قالیبافان ترکمن بود. امروز کم و بیش رنگهای شیمیایی جای رنگهای طبیعی را در بین تراکمه گرفته است. امید می‌رود با فراوانی گیاهان رنگ‌دار در کرانه‌های خزر و جنگلهای مازندران و گرگان بتوان روش‌های رنگرزی گذشته را در بین تراکمه رواج داد.

## قالیچه‌های ترکمن:

ترکمنهای ایرانی در دشت گرگان، در شمال گنبدکاووس (قابوس) از ساحل دریای خزر تا مراوهه تپه سکنی دارند. دیرزمانی نیست که ترکمن‌ها اسکان شده‌اند و با زراعت آشنایی یافته‌اند. ولی هنوز در دره‌های مدوری زندگی می‌کنند که پوششی از نمد و حصیر دارد.

ترکمنان تکه در چهارده فرسنگی شمال باختری گنبدکاووس بسر می‌برند و مرکزشان مراوهه تپه است.

## گلهای ترکمن:

ترکمنها گلهای اصلی قالی خود را نام‌هایی داده‌اند که صورت مهم‌ترین آنها و معنی نام آنها مسائل بسیاری را روشن می‌کند.

مهتمرین گلهای چنین است:

۱- فیلپی گول *gul* : (به معنی کف‌پای فیل قابل مقایسه با چپات استر در سیستانی به معنی کف پای شتر)

۲- چمچمه *Cemce* : به معنی چمچه یا چمچه چمچه لغت فارسی است به معنی قاشق گود

۳- کجبه *Kejebe* : به معنی کجاوه و گرفته از تلفظ بسیار قدیم واژه یعنی کجابة

۴- گولی گول *gulli gul* : به معنی نقش گل گلدار و آن نقش مایه‌یی است دارای گل ریز

۵- دغاقا *doqalı* : به معنی طلس. در ترکی ریشه ندارد و همان دغاست

۶- سکیزقاپی *Sekiz qapi* : به معنی هشت در. ترجمه نادرست هشت‌بر است.

۷- سکیز کله Sekiz Kelle : به معنی هشت کله

۸- چرخ پلک Cark Palak : به معنی چرخ فلک

۹- آینا، آیناگل: ayna gol : به معنی نقش آینه

۱۰- آتایاقی at ayaqı : پای اسب به تقلید از فیلیپی گول

### استان مازندران، عشاير تركمن:

مهتمرين عشاير جنوب شرقى دريای مازندران تركمن های می باشند که در دو منطقه کوهستانی و جلگه ای حوالى رودگرگان تا نوار مرزی ایران و جمهوریهای فدراتیو زندگی می کنند. عشاير تركمن از دو ايل بزرگ يمومت و گوگلان تشکيل شده است.

تركممنها با ديگر قبائل ترك و مغول از چند هزار سال پيش در دشتهای آسيای مرکزي سکونت داشته اند. از آنجا که اساس زندگی تراكمه مازندران و بردامداری و دامپروری متکی است. آنان مجبورند نيمی از سال را در گرمسير و نيمی ديگر را در سردسir بسربرند، افراد هر خانواده در محيطی مدور و نمدپوش بنام «اوی» اسکان می یابند. خانواده ايلی که دامها يشان جهت چرا در يك رمه جمع می شوند اوی هایشان را در کنار يكديگر بنا می کنند.

مجموعه چند اوی که در واقع يك واحد گله داراست «اویه» نامیده می شود. اویه هایی که به فاصله يك تا چند كيلومتر از يكديگر قرار دارند طاييفه کوچکی را تشکيل می دهند که در برخی مواقع تعداد ۱۰۰ خانوار را در برمی گيرد. سرپرستی اویه ها، تيره ها و طاييفه ها در گذشته با ريش سفيدانی بود که آنان را يашول می ناميدند.

اشغال زنان در سردىير، پشم ريسى، قالىبافى، نمدبافى و سوزندوزى است، اسبسوارى و چوگان سرگرمى مردان است.

تركمىنها هىچگاه بخدا سوگند نمىخورند و بندرت سوگند ياد مىکنند. از بارزترین ويزگىهای تركمىنها استفاده از اسب و تفنگ، قالى و سكونت در آلاچيق است.

آنان بسيار ميهمان نوازنده و از ميهمانان خود با يك قورى بزرگ چاي و يك كاسه چاي خوري پذيرايى مىکنند. آنان بجای نشستن همواره لم مىدهند و به مجرد ورود يك ميهمان ابتدا پشتى و يا بالشتى جهت لم دادن وى مهيا مىسازند. تركمىنها به زبان فارسى و لهجههای تركى و مازندرانى هم آشنا هستند.



## ترکمنها و نقش قالی آنان:

این قوم بیش از هر کالایی به فرشهای خود علاقمند بوده و آنها را به شکل‌ها و اندازه‌هایی گوناگون می‌باfte‌اند تا نیازهای متنوع زندگی کوچ‌نشینی و نیمه‌کوچ‌نشینی را برآورد، نمادهای آن نوع زندگی را یادآوری می‌کند و مایه‌ی شادی زندگی کوچ‌نشینی باشد. دگرگونی‌های اخیر، ما را هم از درک و هم از خود باfte‌های گوناگون عشايری از قاشق‌دان، آينه‌دان و نمک‌دان گرفته تا بهترین قالی که خانواده‌یي بعنوان جهيز برای دخترش می‌بافت، از تنگ، دهن، روزینی، جوال و خورجین گرفته تا انواع قطعاتی که برای بستن پوشاندن پرده یا در چادر به کار می‌رفت محروم کرده است. انواعی از باfte‌ها نیز بعنوان بستر خواب، جامه‌دان و زینت بکار می‌رفته که گويای وضع اقتصادی و شأن اجتماعی بوده و در موقع لزوم مشکلات مالی خانواده را حل می‌كرده است.

زنان عشاير از جمله ترکمنها در انواع باfte‌ها چنان کار‌دان و مسلط بودند که با ساده‌ترین ابزارها مجموعه متنوع و شگفت‌انگيزی را ايجاد می‌کردند که گاه، بویژه هنگام عروسی، بر روی شتر و اسب به نمايش گذاشته می‌شد. در عين حال، همين فرشها هر اندازه با دقت و زيبا باfte شده‌بود، زير دست و پا و در زندگی گذرا و ناپايدار و در عين حال پرغرور و حادثه ترکمن‌ها از بين می‌رفت. به همين دليل، تنها نمونه‌هایي باقی‌مانده است که يا پيشامد يا دست بيگانه‌يي که با اعجاب و تحسين بسوی آنها رفته، انواع قابل توجهی را از گزند روزگار نگهداشته است. كنه‌ترین اين نمونه‌ها از قرن دوازدهم هجری عقب‌تر نمی‌رود و به همين دليل، تاريخ قالی ترکمن اساساً روش‌نیست.

تحقيقات رونگار ما درباره تاريخ تركان با فرض‌های نادرست و گاه با تعصبات و علايق قومي و سياسي همراه شده و کار مطالعه را تا حدی مشکلتر کرده است. قطرهای نادرستی که درصد سال گذشته ابراز شده گاه با

علاقة و تعصب هنوز تکرار می‌شود. برای مثال به یک مورد اشاره می‌کنیم: هنوز این نظر که ترکمانان آق‌قویونلو و قره‌قویونلو به حسب رنگ گوسفندانشان چنین نامیده می‌شدند، طرفدار دارد. حال چیزی که مثلاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد این است که چه کوچ نشینان و چه کشاورزان در طول تاریخ به وجهی غیرمستقیم و ناخودآگاه و گاه حتی با آگاهی و عمدۀ انتخاب اصلاح کرده‌اند. پدیدآمدن بهترین نوع محصولات کشاورزی یا نژادهای گوسفند محصول همین انتخاب است. قره‌گل از چه راهی پدید آمده‌است؟ گاو سیستانی همچنین. چرا عمدۀ گوسفندان کوچ‌نشینان ایران سفید هستند؟ این از طریق انتخاب اصلاح توسط گله‌داران پدید آمده‌اس زیرا پشم سفید است که در آوردن آن به هر رنگی میسر است.

با توجه به این نکته مگر می‌توان پذیرفت که همه یا بیشتر گوسفندان یک ایل سیاه باشد؟ رسیندگی و بافندگی بیش از هفت‌هزار‌سال سابقه دارد.

نظریه‌های دیگر چنین است. کوشش جمعی از محققان برای ایجاد پیوند بین نقشه‌های ترکمنی و تمغا (نشانه قومی) و دیگر نشانه‌های قدیم ترکمن به نتیجه‌ایی نرسیده‌است.

روشن شده‌است که نشانه‌های قومی ترکان نه تنها به بافت‌های آنان بلکه به دیگر نقش‌ها و حتی فرهنگ کهن آنها ربطی ندارد. در این زمینه بحث ویژه‌بی خواهیم داشت. ترکان از آنجا که سرزمین اصلی خود را رها کرده و به سرزمین‌های متمدن و سابقه‌داری مهاجرت کرده‌اند، بیش از اقوام دیگر تحت تأثیر خلق‌های مجاور قرار گرفته‌اند.

در بافندگی آنان اثر فنون شمال ایران و نیز نقشه‌ای اصیل ایرانی بنامهای اصیل فارسی را ملاحظه خواهیم کرد.

بنیاد اقتصادی زندگی همه ترکمنها، مثل همدهی عشاير، دامداری است. با وجود اين، اوضاع جغرافيايی و سياسي گاه امکانات بهتری مثل کشاورزی را فراهم می آورد.

در طول تاريخ، ترکمنها کمتر به دولتها متکی بوده‌اند؛ اگرچه گاه در تشکيل حکومت‌ها یا در به قدرت رسیدن آنان تأثير داشته‌اند. راه دیگر درآمد آنان شرکت در کار حمل و نقل و فقط امنیت در طول راههای کاروانی و گاه بین‌المللی بود که از غرب چین تا غرب آناتولی (ترکيه) ادامه داشت: گاه دولتها، یا ععمولاً ثروتمندان و بازرگانان، چند صدتاً چندهزار شتر، اسب و قاطر از کوچنشینان ترکمن کرایه می‌کردند. ترکمنها با تضمین نقاط نامن راه، مورد توجه حکومت‌ها قرار می‌گرفتند و گاه به همین دلیل منطقه‌ی نامنی به آنان سپرده می‌شد و آنان از پرداخت مالیات معاف می‌شدند.

ادبيات ترکمن‌ها بطور عمدۀ شفاهی است. در ادب عاميانه‌ی ترکمن اشاره‌هایی به زندگی قدیم. دورۀ ترکتازی، شکار با پرندگان شکاری، دزدیدن همسر از میان قبیله یا طایفه دیگر عشق‌های سوزان صحرايی، تنهایی مادران به هنگام سفرهای دورودراز همسران و ستم چندگانه که متحمل می‌شده‌اند، رسمهای آنان زگهواره تا گور، صبر و برداری زندگی صحراشینی جوانی‌های پرنیرو و پیری‌های زار، باروری گوسفندان، پشم‌چینی، شيردوشی، رشن و بافتن دیده می‌شود. چیزی که کمتر در آن دیده می‌شود تاریخ است. چادرنشینان ععمولاً تاریخ‌نویسی ندارد یک استثناء عبارتند از نسبنامه‌ی ابولغازی که در آغاز قرن یازدهم هجری نوشته شده و متأسفانه تنها مطالب خواجه رشیدالدین فضل الله را تکرار کرده است.

در طول قرن تغییرات شدیدی چه از نظر ساختار قومی و اجتماعی و چه از نظر حیطه‌ی نفوذ جغرافيايی در میان ترکمنها صورت گرفته است که عمدۀ ترین علت آن احتیاج به آب و علفزار بوده است اين تغییرات باعث

رقابت، جنگ و تحولات شدید می‌شد. بویژه قرن سیزدهم هجری شاهد تغییرات غیرقابل برگشت در زندگی آنها بوده است. حرکتها، فتوحات، پذیرفتن انقیاد دیگران از جمله روسها، حوادث مهمی را پشت‌سرهم قرار می‌دهد که اتفاقاً کهن‌ترین و عمدت‌ترین قالیهای ترکمن از آن دوره باقیمانده است.

در عین حال که بافت قالی در بین برخی از قبایل ترکمن تأثیر نشده است، چندین قبیله که قدیمتر، بزرگ‌تر و نیرومندتر از همه هستند قالی می‌باشند. ذیلاً می‌کوشیم نگاهی به تاریخ ترکمن‌های قالیباف بیافکنیم.

محمد کاشغری و خواجه‌رشیدالدین فضل‌الله به ترتیب در قرن‌های پنجم و هفتم هجری گفته‌اند که قبیله‌ی سالورا شرفی‌ترین و برگزیده‌ترین قبیله بوده است. این وضع در نتیجه‌ی قرنها برتری اقتصادی بوجود آمده بود. مشکووا متخصص شوروی (سابق) در نیمه اول این قرن می‌گوید: «سالورها امروزه پدر قالی ترکمن شمرده می‌شوند». این قبیله با همه‌ی توانایی خود از قاجارها شکست خورده این شکست در سرزمین سرخس اتفاق افتاد و از آن پس این قبیله در همان محل، بدون اینکه بتواند متحرک دیگری داشته باشد مانده است.

ایل چدر (چادر) بر حسب گواهی محمود کاشغری و رشیدالدین فضل‌الله در آسیای مرکزی میزیسته است و از قرن یازدهم هجری زندگی آنها در حوالی خیوه (خوارزم قدیم) شناخته شده است. این چدر چه در آنجا و چه در امارات بخارا در محاصره‌ی ایل‌های دیگر بود. متخصصان می‌اندیشنند که ساخت ایلی آنها ضعیف و باعث تغییر در قالیبافی این ایل شده است.

ایل ارساری، براساس سخن ابولغاری، نسبی افسانه‌ای دارد و بنظر می‌آید در قرن یازدهم هجری به شرق مهاجرت کرده و در حدود امارت بخارا ساکن شده است. ارساری از درگیریهای بزرگ ایل پرهیز کرد و به فرهنگ شهری روی آورد. ویژگی‌های این فرهنگ در قالی ارساری منعکس شده است.

تاریخ قالیبافی ترکمن انعکاسی از تاریخ این قوم نیست. همچنان که در مورد تاریخ هیچ قبیله‌یی نمی‌توان با اطمینان سخن گفت، بیان تاریخ قالی ترکمن نیز خالی از اشکال نیست و ما در این کتاب با آن آشنا خواهیم شد. الگوی کلی قالی ترکمن نشان از تحولات شدید ندارد زیرا بصورت نقش‌های تکراری باقیمانده است. این نقشها در ایران بیش از ششصدسال سابق دارند و در بسیاری از مینیاتورهای قرن هفتم هجری به بعد منعکس شده‌اند. از آنجا که کهن‌ترین قالی بدست آمده‌ی جهان نیز دارای نقش‌های تکراری است، باید پذیرفت که نقشهای ترکمنی در یک مرحله‌ی ابتدای باقی مانده‌اند. چنانکه خواهیم دید کوشش در جهت اثبات خلاف این امر، چندان موفق نبوده.

### مرد ترکمن و بافت قالی:

در خلال این نوشهای اشاره‌هایی به این موضوع داشتیم که قالیبافی ترکمنی هنر و حرفه‌ی زنانه است و مردان ترکمن قالی نمی‌باشند.

سنت قالیبافی است که این کار را در حیطه‌ی فعالیت زنها می‌داند، به مردان ترکمن اجازه‌ی دست‌زندن به چنین کاری را نمی‌دهند. بافت قالی دون شان یک مرد ترکمن است. برای نخستین بار سه مرد جوان ترکمن نخستین قالیچه (ray) را بافتند.

## رنگ به زبان ترکمن :

ترکمن‌ها به رنگ لاکی، نارنج، می‌گویند. ترکمنها به رنگ قهوهای قنگ ری می‌گویند- بعضی ترکمنها به رنگ زیتونی سیر ناسی می‌گویند و ناس ماده‌ای است که زیر زبان می‌گذارند و در ردیف موادی چون توتون و تنباقو قرار دارد. ترکمنها به رنگ سرمه‌ای گوگ می‌گویند و به رنگ سیر یاشیل گویند و رنگ مشکی را قره گویند.

رنگ در فرش ترکمن محدود است. فرش ترکمن تنوع رنگ‌آمیزی فرشهای دیگر نقاط ایران را ندارد و ارزش در تنوع بخشیدن به این رنگ‌هاست. اگرچه به گفته‌ی خودش، معمولاً در این نوع سنت‌شکنی‌ها، مقاومت‌هایی نیز دیده می‌شود و یايد به جرأت در برابر آن قرار گرفت.

## قالیهای ترکمن ایران :

قالیهای ترکمن‌صحرا توسط سه قبیله آتابای و جعفربای و تکه تهیه می‌گردد. از این سه قبیله دو قبیله اول ترکمن یموت و سومی از نوادگان قبیله مهم ترکمنها تکه در آن سوی دریای خزر هستند. قالیباфан تکه از بافت‌گان دو قبیله دیگر ماهرترند و بافت‌های آنان مرغوب‌تر است. این افراد پانزده‌سال قبل از جمهوری ترکمنستان در اتحاد جماهیر شوروی به ایران مهاجرت کردند و در جارگلان ناحیه‌ای شمال‌غربی گند، مستقر شدند. مرکز اصلی آنها شهر کوچک مراوه‌تپه است. اغلب قالیچه‌های آنها در بازارهای بجنورد و قوچان عرضه می‌شود و از این مراکز به مشهد حمل می‌گردد. میزان محصول آنها زیاد نیست و در سال از ۵۰۰ تخته تجاوز نمی‌کند. قبل از مهاجرت قالیچه‌های کار تکه در مرز روسیه شوروی در نزدیکی عشق‌آباد (جمهوری ترکمنستان) بافته می‌شد. سپس به مشهد صادر می‌گردید و پس از خروج از گمرک به کشورهای

مغرب زمین فروخته می شد. هنوز در جمهوری ترکمنستان واقع در اتحاد جماهیر شوروی قاليچه تهیه می شود

ولی مانند سابق در مشهد به فروش نمی رسد، بلکه در بازارهای مسکو عرضه می شود.

پس از قالیبافان تکه بافندگان آتابای بهترین بافندگان این ناحیه محسوب می شوند و میزان فرآورده های

آنان نیز زیادتر است اغلب آنها در گنبد قابوس و روستاهای مجاور زندگی می کنند. تقریباً کل میزان

فرآورده های این قبیله به دلالان گنبد قابوس فروخته می شود که آنها نیز این کالا را به مشهد و تهران

می فرستند. سالیانه در حدود ۱/۲۰۰ تخته در شهر، و همین مقدار نیز در روستاهای این ناحیه تهیه می شود.

به این ترتیب در بخش گنبد هر سال ۲/۵۰۰ تخته قالی و قالیچه بافته می شود که برابر با نصف بافته های

ترکمن صحرا است.

قالیچه ها جعفر بای بطور کلی از بافته های آتابای پست تر و میزان آن نیز کمتر است. اغلب محصولات آن در

پنج شنبه بازار، که هفته ای یکبار شمال گرگان برپا می شود، بفروش می رسد. ترکمن های قسمت مغرب

ترکمن صحرا محصولات خود را از قبیل میوه و سبزی و مرغ و خروس و پوست و پشم و اسب و قالی به این

بازار می آورند و به بازار گانان گرگان می فروشنند. افراد قبیله جعفر بای نیز مقداری از قالیچه های خود را در

گمشان، شهر کوچکی واقع در شمال بندر شاه در ساحل دریای خزر، برای فروش عرضه می دارند. بهترین

موقع برای خرید جنس از این قبایل قبل از عید قربان است، چه در این هنگام ترکمنها برای خرید جامه نو و

تهیه مقدمات این جشن به پول احتیاج دارند و از این رو محصول زیاد تری در بازار عرضه می کنند.

زنان ترکمن پشم مورد نیاز را برای تهیه قالیچه از گوسفندان خود بدست می آورند و مراحل رسیندگی و

رنگ آمیزی را نیز خود انجام می دهند. قالیچه ها را یک پوده و ببروی دار یا دستگاهی که به سبک عشايری در

کف پورت یا کلبه خود قرار داده اند می بافند. تارو پود قالیچه های آنها هردو از پشم است.

پس از بازدید از خانه‌های چادرمانند و مدور آنها دریافتم که چرا معمولاً اندازه قالیهای یموت از  $11 \times 8$  تجاوز نمی‌کند چه کف این اطاقهای مدور گنجایش یافتن قالی بزرگتری را ندارد. درواقع دار یا دستگاه افقی تمام فضای داخل چادر را اشغال کرده‌بود بطوریکه از خود می‌پرسیدم افراد خانواده در کجا غذا می‌خورند و استراحت می‌کنند و آنها چگونه می‌توانند کارهای روزانه خود را انجام دهنند. دارهای افقی آنها شبیه به دستگاه بافندگی است که مورد استفاده اغلب قبایل کردستان، لرستان، کرمان و فارس است.

مواد رنگی محلی، که مدت چندین قرن در زمرة رنگهای اصلی قالیچه‌های سرخرنگ آنسوی دریای خزر بوده، روناس قرمز است. قرمذحشراهی است شبیه به قرمذدانه که از آن رنگ بدست می‌آید. هردو این مواد رنگی در نواحی شرقی دریای خزر یافت می‌شود. قبلًا به این موضوع تأسفانگیز اشاره شد که در ترکمن‌صحرابجای این مواد رنگی که موجب شهرت قالیچه‌های سرخرنگ ترکمن در سراسر جهان شده‌است رنگهای قرمز مصنوعی بکار برده می‌شود براثر وقوع جنگ ورود رنگ قرمز مصنوعی به نام دیانیل که در آلمان تهیه می‌گردید متوقف شد. تا وقتی که رنگ آلمانی بدست می‌آمد مردم ترکمن صhra آن را به رنگ ساخت سوئیس معروف به قرمز شرقی ترجیح می‌دادند ولی هنگامیکه دیگر بدست نمی‌آمد رنگ سوئیسی بتدریج جایگزین آن شد، بطوریکه اکنون فقط از این رنگ استفاده می‌کنند. متأسفانه چون قالیبافن ترکمن‌صحرابه همیشه کلافهای خود را خود رنگ می‌کردند با روش رنگ‌آمیزی بوسیله رنگهای مصنوعی آشنایی ندارند. از اینرو بیم آن می‌رود که رنگ‌آمیزی قالیچه‌های یموت ترکمن‌صحرابطور ناقص و معیوب صورت پذیرد. در هر حال فرآورده‌های جدید این ناحیه از عمق و نرمی و درخشندگی را که با مرور زمان در

قالیهای قدیمی پدید می‌آید پیدا نخواهد کرد. تا سالهای اخیر قالیبافن یموت چند طرح خاص خودداشتند

که بر روی متن ارغوانی سیر می‌بافتند و یکی از مشخصات متمایز قالیهای آنها بشمار می‌رفت.

لکن از بعد از جنگ در فرآوردهای ترکمن صحرا در مرز ایران تحولات ناگهانی و تأسف‌انگیزی پدید

آمده است. مردم این ناحیه از قالیهای معروف یموت. یا زمینه ارغوانی سیر، خودداری کرده‌اند و اغلب آن

طرحهای مشهور بخارایی با متن قرمز را برگزیده‌اند. علت این تغییر ساده است در زمان جنگ فرآورده قالی و

قالیچه‌های بخارا بطور فاحشی کاهش می‌یافت، ولی با پایان یافتن جنگ میزان تقاضا برای این قبیل قالیها

افزایش پیدا کرد و چون بهای آنها خیلی زیاد بود دلالان در صدد برآمدند جنس دیگری را جانشین آن

سازند. نظر به اینکه قبایل ترکمن یموت با این طرح آشنایی داشتند آنها را تشویق کردند که میزان زیادتری

قالی ببافند و اینبار طرح خود را بر روی متن قرمز جلوه‌گر سازند. رنگ مورد نیاز را نیز تجار فرش در اختیار

آنان گذاشتند.

زمینه این گلیمه‌ها اغلب قرمز تیره است که طرح‌های تکرارشونده هندسی به رنگ سرمه‌ای و بلوطی و نخودی

و خرمایی و سفید بر آن جلوه‌گر می‌شود.



## قالی ترکمن

### سعدآباد:

در پهنه پر طراوت کوهپایه های توچال و دره سرسیز دربند، بخش دل انگیزی از شمال شهر تهران شکل می گیرد که مجموعه سعدآباد با یک میلیون و صد هزار مترمربع وسعت در این گستره غنوده است. سعدآباد که از شمال با کوههای البرز، از مشرق با گلابدره، از غرب با ولنجک و از جنوب با تجریش همسایگی دارد، در زمان قاجار، محل استقرار و سکونت تابستانی شاهان این سلسله بوده است.

پس از کودتای ۱۲۹۹، در وسعتی تازه و الحاق باع های مختلف، به اقامتگاه تابستانی رضاخان اختصاص یافت، کاخ و کوشک هایی به مناسب و ضرورت های گوناگون در جای جای این پهنه ای بر تافته از درختان کهن و سپیدار و سرو، به فاصله ای از بازمانده بناهای قاجار سر برآورده که طی سالیان به چهارده کاخ کوچک و بزرگ، هر کدام به سبک و شیوه ای در معماری رسیده است.

حاج آقا رضا رفیع در خاطرات خود می نویسد: "من سعدآباد را از ابوالفتح سردار اعظم- پسر بانو عظمی خواهر ظلل السلطان به مبلغ چهارصد هزار تومان با مهر حاج آقا نورا... و کلباسی برای رضاخان سردار سپه خریداری کردم.

سعدآباد که من آن موقع خریداری کردم به این بزرگی نبود و وسعت آن هشت هزار متر کنار رودخانه با عمارت حالیه ملکه مادر بود. البته بعد از خریداری سعدآباد از سردار اعظم، تپه علی خان والی را از پدر سرتیپ والی به مبلغ هفت هزار تومان خریداری نمودم و این تپه همان تپه ای است که کاخ شهوند را رضا خان بر روی آن بنا کرد و مادر شاهپور عبدالرضا(عصمت دولتشاهی) در آن کاخ می نشست.

از باع هایی که اراضی آنها داخل اراضی سعدآباد شد، باع آقامحمد جواد گنجه ای است که جزء جعفرآباد بود، از باع امام جمعه هم مقدار زیادی داخل باع سعدآباد شد و خانه های جنوبی سعدآباد که مربوط به دوره قاجار بود از نصیرالدوله خریداری گردید و در زمان پهلوی اول به عنوان سربازخانه سعدآباد مورد استفاده قرار می گرفت. سپس باع های دیگری در اطراف سعدآباد از جمله باع های سالار جنگ، سپهدامان ای... میرزا، مستوفی الممالک، شکرا... قوام الدوله، همدم السلطنه خواهر مستوفی و محمود بدر خریداری و جزو

سعدآباد گردید. رضا خان در آن زمان در میان درختان چنار سعدآباد چادری می زد و گاهی هم زیر آن پذیرایی می کرد.



## نمایی از کاخ سعدآباد

### معرفی کاخ موزه سبز:

کاخ شهوند، که اکنون «کاخ موزه سبز» نامیده می شود، بی گمان یکی از زیباترین کاخ های موجود در کشور است، بنای اولیه این کاخ نیم طبقه ای متعلق به «علیخان والی» از زمینداران سرشناس قاجار بوده است، که توسط رضاخان در سال ۱۳۰۱ به مبلغ هفت هزار تومان خریداری شد. سپس «میرزا جعفر خان معمارباشی» بی آنکه ساختمان قبلی را از بین ببرد کاخ تابستانی رضاخان را پس از هفت سال تلاش بر روی آن ساخت. علت سبز نامیدن کاخ استفاده از سنگ های سبز منحصر به فرد معادن خمسه زنجان در نمای خارجی آن است و در مصالح آن نیز از سرب استفاده شده است که از خرد شدن سنگها به علت تغییرات آب و هوایی جلوگیری میکند.

زیربنای کاخ ۱۲۰۳ مترمربع است که از دو بخش تشکیل شده، بخش اول شامل : پله ورودی، اتاق انتظار، اتاق کار، تالار آیینه، اتاق غذاخوری خصوصی و اتاق خواب است.

بخش دوم، زیرزمین که در سالهای ۱۳۵۰-۱۳۵۲ به دستور محمدرضا پهلوی برای پذیرایی از مهمانان خارجی به بخش اول افزوده شد که شامل : اتاق پذیرایی دو اتاق خواب و اتاق غذاخوری است.

در این کاخ انواع هنرهای ایرانی شامل آیینه کاری، گچبری، حجاری، تذهیب، خاتم کاری و ... بکار رفته است.

-آیینه کاری کاخ اثر استادان بنامی چون شیخان ، حاج علی آخوندی و...

-تذهیب: اثر استاد حسین طاهرزاده بهزاد

-خاتم: اثر کارگاه استاد صنیع خاتم شیراز

-چهارستون سفید رنگ در بالای پلکانها از سنگ مرمر سفید رنگ بدون رگه معادن کارارا در ایتالیا، همراه با دو کتیبه نصب شده بیرون ساختمان به دولت ایران اهدا گردیده است و به دستور رضا شاه در این مکان نصب گردیده است.

-نرده چوبی پلکان کاخ به سبک حجاری های سربازان مادی، پارسی، هخامنشی در تخت جمشید منبت کاری شده اثر استاد مختاری است، وی یکی از شاگردان کمال الملک و اهل گلپایگان بوده است.

نمایی از کاخ موزه سبز



### قالیچه ترکمن موجود در مخزن کاخ موزه سبز :

در مخزن کاخ موزه سبز قالیچه ترکمنی موجود است که گفته می شود قالیچه مورد علاقه رضا شاه بوده. این قالیچه بافت اوایل قرن ۱۴ هجری شمسی است. در چهار رنگ اصلی لاکی-سرمه ای-عاجی و صورتی. نوع گره آن نامتقارن و با تاروپود پشم در ابعاد ۱۱۶\*۱۵۱ بافت دست عشایر ترکمن است. این قالیچه با نقش مارگل بافته شده است.



**منابع:**

- ۱- افسانه جاویدان فرش ایران. محمدجواد نصیری. فرهنگسرای میردشتی
- ۲- نیازجان و قالی ترکمن. ذبیح ا... بلاغی. فرهنگان
- ۳- نصیری، محمدجواد افسانه جاویدان فرش ایران فرهنگسرای میردشتی.
- ۴- فرش ایران. فضل الله حشمتی رضوی. چاپ سوم. (دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران. ۱۳۸۰)
- ۵- قوم ترکمن یوسفی جعفر . چاپ اول نشر امیرکبیر ۱۳۷۴